

مروری بر تئوری پارتیزان اشمیت

منا میرمحمدی

اندیشکده روابط بین الملل: توجه اشمیت به مفهوم پارتیزان و ارتباط آن با امر سیاسی به اوایل دهه شصت بر می گردد. تاملات وی راجع به پارتیزان برگرفته از نوشته های ژورنالیستی به نام رالف اشروتر^۱ است که در سال ۱۹۶۱ در رساله ی خود پارتیزان را به مثابه "بخشی از انسان شناسی سیاسی" دانسته است. اگرچه که ۲ سال بعد اشمیت تئوری پارتیزان خود را با الهام از این اثر نوشت اما همانطور که اشروتر اشاره می کند بدون اشمیت هیچگاه این تئوری شکل نمی گرفت.

مفهومی که اشمیت از پارتیزان ارائه می دهد با مباحث اخیر راجع به مشکل جنگ و به طور خاص تر مسئله ی ترور و تروریسم در ارتباط است. تئوری پارتیزان به فلسفه حقوق این کمک را می کند تا مفهوم جنگ و خشونت معنا پیدا کند. به علاوه، این تئوری به شکل خاصی از خشونت غیر دولتی، هم در مفهوم سیاسی و هم حقوقی، اشاره دارد.

تئوری پارتیزان اشمیت، که تفکر دوباره ای بود از مسئله ی امر سیاسی، در رابطه با موضوع جنگ و تغییر پویا در آن حوزه بود. از نظر وی این تغییر، اشکال مبارزه غیرقانونی یا چریکی را در بر می گرفت. این مبارزات توسط بازیگران غیر دولتی علیه نیروهای نظامی سنتی دولت های غربی شکل می گرفت که مبارزه شان در نهایت با موفقیت همراه بود. این نیروها از شهروندانی تشکیل شده بودند که همواره در بین نظامیان غربی ترس ایجاد می کردند و عملکردشان مخفیانه بود.

این شکل از مبارزات در جنگ های ضد استعماری در الجزایر، هند و چین قابل مشاهده است. اشمیت معتقد است که این قبیل جنگ ها در طول جنگ جهانی دوم در اروپا به خصوص در حمله آلمان به شوروی بسط یافته بود. پس از آن نیز مبارزاتی که در چین به خاطر حمله ی ژاپن به آن کشور صورت گرفت، قابل مشاهده

1. Rolf Schroers

است. اشمیت به این نوع از مبارزات عنوان جنگ پارتیزانی (چریکی) میدهد که اولین نمونه موفق آن را جنگ چریکی اسپانیا در بین سالهای ۱۸۰۸ تا ۱۸۱۴ می داند.

جنگ پارتیزانی بیش از مفهوم جنگ در سنت اروپایی در حال رایج شدن است و مفهوم امر سیاسی را در معرض باز آزمونی قرار می دهد. اشمیت معتقد است ظهور جنگ پارتیزانی به عنوان پدیده ای اروپایی تعریف می شد که بعداً به آسیا و جنوب امریکا گسترش یافت. اگرچه که فرض اشمیت مبتنی بر جنگ های ضد استعماری در قرن ۲۰ است ولی تصویری که وی از پارتیزان و مشروعیت ذاتی آن ارائه می دهد به مفهوم دهقان نزدیک تر است. بنابراین، از نظر اشمیت جنگ دهقانان اسپانیایی علیه نیروهای ناپلئون نمونه ی عالی از پارتیزان است.

اشمیت در ادامه این بحث اشاره می کند که پارتیزان آخرین کشمکش و مبارزه علیه حقوق جهانشمول و اخلاق بین المللی ای است که توسط امریکا و بریتانیا هدایت می شود که نهایتاً مفهوم اروپایی دولت را از بین می برد. سهیم شدن پارتیزان در ادعاهای اخلاقی قانونی (گفتمان) جهانشمول باعث دگرگونی در شخصیت آن می شود. در این حالت وی شخصیت دیگری می شود که خشونت را برای پایان دادن به سیاست یا حتی مذهب سیاسی اتخاذ می کند.

برخلاف مدل رایج جنگ کلاسیک اروپایی که بین دولتی بود، اشمیت بر این باور است که جنگ پارتیزانی شکلی مهم و قابل تامل از جنگ است و باید مهم شمرده شود. چرا که در حال افزایش است و دیگر نمی توان این قبیل جنگ ها را استثناً به شمار آورد. بنابراین وی در صدد تعریف این مفهوم (مفهوم پارتیزان) بر می آید. بدین منظور وی ۴ شاخص برای تعریف آن در نظر می گیرد که عبارتست از: بی نظمی^۲، جا به جایی (تحرک بال)^۳، شخصیت خاکی^۴ و تعهد بالای سیاسی. این معیارها پارتیزان را از سایر جنایتکاران مثل دزد یا قاتل جدا می کند.

تئوری پارتیزان:

اشمیت در نظریه پارتیزان متاثر از کلازوویتز و لنین بوده است. بسط تئوری وی با حرکت از فرا شکلی از دسته بندی نظامی به سمت یک تئوری سیاسی در فضای روشنفکری اوایل قرن ۱۹ در برلین آغاز می شود. زمانی

^۲.irregularity

^۳.increased mobility

^۴.tellurian character

که منشور بزرگ پارتیزانی^۵ توسط کلازوویتز مطرح شد و این اجازه را به شهروندان برلینی داد تا علیه نیروهای ناپلئون دست به سلاح ببرند. اما در این مرحله هنوز این مفهوم از جنگ پارتیزانی ارائه شده توسط کلازوویتز به مفهوم سنتی و کلاسیک جنگ نزدیک بود. چرا که وی هنوز جنگ را در قالب تاکتیک خاص و مشخص تعریف می کرد. لذا لنین این مفهوم را به عنوان تئوری سیاسی به شکلی رادیکال تر ارائه کرد. از این رو پارتیزان از شکل دفاعی خود به شکل جنگ داخلی-انقلابی تبدیل شد که اهمیت آنرا پررنگ تر می کرد.

این تغییر در مفهوم جنگ و مبارزه از شکل رسمی آن به شکل بی قاعده نقش محوری در تفکر اشمیت دارد. چرا که پارتیزان از یک مفهوم نظامی تاکتیکی به مفهومی سیاسی تبدیل می شود. این تغییر صورتبندی دوباره ای از مفهوم امر سیاسی میباشد. پیوند پارتیزان نظامی با آگاهی انقلابی به نحوی مفهوم سنتی سازمان سیاسی دولت های حاکم را زیر سؤال می برد. زمانی که پارتیزان برای محو دشمن مسلم و واقعی تلاش می کند، بازی سنتی نظم دهی به خشونت مشروع، که به طور انحصاری مبتنی بر شناخت بین دولتی است، مورد تهدید واقع می شود. به علاوه اینکه مفهوم دشمن مسلم تنها به مرزهای داخلی محدود نمی شود؛ بلکه دشمن یا دشمنان در میان دولتها بوجود می آیند و احتمال شکل گیری جنگ جهانی داخلی دور از ذهن نخواهد بود.

اگر چه که به نظر می رسد اشمیت در تئوری خود نقش دولت را حذف کرده و تنها به بازیگران غیر رسمی توجه میکند، ولی وی تاکید می کند که پارتیزان به عنوان یک مبارز نامتعارف همواره از جهاتی به قدرت متعارف (قانونی) وابسته است. این وابستگی از جهات نظامی، اقتصادی و البته شناخت سیاسی^۶ است. پروسه ی شناسایی که اشمیت به آن اشاره دارد، توسط بازیگر دولتی شکل می گیرد و مبتنی بر حقوق بین الملل است. بر این اساس، آنچه که به به اقدام خشونت آمیز پارتیزان مشروعیت می دهد به طور حتم همان مسئله ی شناسایی هگلی است که در (نظریه) روابط بنیادین دوست - دشمن اشمیت تعدیل شده است

بنابراین، موقعیت پارتیزان به یک رابطه با طرف سوم ذینفع^۷ وابسته است. طرف سوم نه تنها پول، اسلحه و سایر کمک های مالی را تقبل می کند بلکه شناخت سیاسی ای را که پارتیزان از وی طلب کرده، به وی

⁵. magna carta of partisanship

⁶. political recognition

⁷. interested third party

می‌دهد. این شناخت سیاسی مانع از این می‌شود که پارتیزان در حوزه ی "غیر سیاسی" قرار گیرد. به عبارتی نامتعارف (پارتیزان قبل از شناسایی) باید بوسیله ی متعارف (طرف سوم ذینفع) مشروع شود.

این شرایط دو امکان برای پارتیزان بوجود می‌آورد:

(۱) مورد شناسایی واقع شدن توسط نظم (نظام) فعلی (یا ۲) تشکیل نظم جدید با استفاده از نیروی نظامی خود (پارتیزان) که هر دو این شرایط می‌تواند برای پارتیزان مشکلاتی به همراه آورد. اگر پارتیزان برای شناسایی به قدرت موجود وابسته شود، به تبع آن به بافت سیاسی جهانی^۸ وابسته شده و بازیچه قدرت برتر و اهداف این قدرت خواهد شد. در این حالت پارتیزان دفاعی عمل کرده و به تمام چیزهایی که برایش مبارزه می‌کرده است خیانت می‌کند.

در این شرایط پارتیزان در یک زمینه ی گسترده تری از دوست و دشمن عمل می‌کند. چرا که با وابسته کردن خود به طرف سوم ذینفع (برای حذر از ورود به حوزه ی غیر سیاسی) پارتیزان هم به عنوان دشمن و هم به عنوان دوست بدیهی انگاشته می‌شود. در این شرایط پارتیزان نهایتاً مجبور به این تصمیم‌گیری می‌شود که چه کسی دشمن واقعی است. این تصمیم، تصمیمی اساسی برای پارتیزان است. چرا که در نهایت یا او را یک قهرمان شناخته شده می‌نمایند و یا یک مجرم محکوم شده.

در خاتمه، به نظر می‌رسد که در حال حاضر بهتر این است که به اقدامات تروریستی فعلی در چارچوب تئوری پارتیزان اشمیت نگریسته شود. اگر جنگ‌های چریکی علیه نیروهای امریکایی در عراق و یا جنگ انقلابی-جهانی سازمان‌های سیاسی اسلامی را در نظر بگیریم، تئوری اشمیت به ما کمک می‌کند تا هر دو شکل از این مبارزات را در قالب اقدام سیاسی و یا جنگی قرار دهیم. در این صورت دیگر اقدامات تروریستی اسلامی، شیطانی قلمداد نمی‌شود.

منابع:

- 1..Tarik Kochi. **the partisan: carl Schmitt and terrorism**. obinfonet.ro/docs/tpnt/tpntres/kochi-the-partisan-schmitt-and-terrorism-.pdf
2. Jan Warner Muller. **Irregularity that can not be regulated**. www.princeton.edu/~jmueller/Schmitt-WarTerror-JWMueller-March2007.pdf

⁸ Global political context

برای تهیه محصولات به فروشگاه اندیشکده مراجعه کنید
www.irthink.com



تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۵۶۴۵۴۴۴
پست الکترونیکی: irtt.ir@gmail.com
www.irthink.com

